

راه خروج از مشکلات تشدید کمبود درآمد مردم نیست

۴



چهارشنبه
۲۰
۳
۱۴۰۵

ترامپ و کارنامه‌ای تلخ در پرونده‌های جنگ و صلح

۲

گزارش

تحلیل شوک جنگ و بازگشت سبز به کانال ۴.۵ میلیون

واحد

رفت و برگشت برق آسای بورس



در پی نخستین حملات موشکی تهران به سمت اسرائیل، بورس تهران روز دوشنبه را با یک شیب نزولی آغاز کرد. اگرچه با اعلام پایان حملات از سوی قرارگاه خاتم الانبیاء شاخص کل بورس مجدداً مثبت شد و به کانال ۴.۵ میلیون واحد وارد شد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴- بازار بورس روز گذشته یکی از دراماتیک‌ترین روزهای خود را سپری کرد.



گزارش

چرا دولت پزشکیان باید قید «رسانه ملی» را بزند؟

اینترنت، برگ برنده دولت در برابر صداوسیما



رابطه پاستور و جام جم وارد مرحله تازه‌ای شده است. انتقادهای تند رئیس‌جمهور از صداوسیما، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا وقت عبور دولت از راهبرد مدارا با رسانه ملی و بازتعریف آرایش رسانه‌ای خود نرسیده است؟ به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴- توییت اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، پالس‌های روشنی از یک تغییر فاز در روابط پاستور و جام جم را به همراه داشت.



دبیر شورای تامین خراسان رضوی:

تخریب کلیسای انجیلی مشهد در این شورا هرگز مطرح نشده بود

کوروش احمدی:

مصدق بایک دفاع حقوقی دقیق، پیروزی ایران در لاهه را رقم زد نه با شعارهای سیاسی

ملی کردن صنعت شناخته می‌شود. لطفاً درباره زمینه‌های شکل‌گیری این پرونده، استدلال‌های طرفین و اهمیت رأی نهایی دادگاه توضیح بفرمایید. برای این که این موضوع را در یک بستر کلی تر قرار دهیم، بی‌مناسبت نیست که یک اشاره کلی به روند ملی شدن صنعت نفت داشته باشیم. می‌دانیم که پس از تصویب گزارش کمیسیون نفت که حاوی پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت بود، در روزهای ۲۴ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ توسط مجلس شورا و سنا، قانون نحوه اجرای ملی کردن نفت در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ توسط دو مجلس تصویب و یک روز بعد توشیح و ابلاغ شد.

یک پیروزی مهم حقوقی در دفاع از اصل ملی شدن صنعت نفت در تاریخ ثبت شد. به مناسبت سالگرد برگزاری دادگاه لاهه در خرداد ۱۳۳۱، با کوروش احمدی، دیپلمات پیشین و پژوهشگر تاریخ، درباره ابعاد این پرونده و اهمیت آن گفت‌وگو کرده‌ایم. در پی شکایت انگلستان از ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی (لااهه)، هیأت ایرانی به سرپرستی دکتر محمد مصدق در خرداد ۱۳۳۱ برای دفاع از مواضع ایران در لاهه حاضر شد و سرانجام نیز دادگاه در رأی خود اعلام کرد که صلاحیت رسیدگی به شکایت انگلیس علیه ایران را ندارد؛ رأی که به عنوان یک موفقیت مهم حقوقی برای ایران و دلیلی مضاعف بر حقانیت ایران در

ایران با انتقاد و شگفتی روبه‌رو شد، زیرا بسیاری آن را تلاشی برای احیای وضعیت پیش از ملی شدن نفت می‌دانستند. با این حال، دولت ایران از همان ابتدا صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به این دعوا رد کرد و تأکید داشت که اختلاف، میان یک دولت و یک شرکت خصوصی است و نه میان دو دولت. این موضع در جلسات بعدی، از جمله نشست مهم ۱۹ خرداد ۱۳۳۱ با حضور هیأت ایرانی به سرپرستی دکتر محمد مصدق، با استدلال‌های حقوقی و سیاسی پی گرفته شد. سرانجام دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی نهایی خود اعلام کرد که صلاحیت رسیدگی به شکایت دولت انگلیس علیه ایران را ندارد؛ رأی که عملاً پرونده را به سود ایران بست و به‌عنوان

در سطح بین‌المللی انجامید. دولت انگلیس در واکنش به این اقدام، با طرح شکایتی در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، کوشید ملی شدن نفت و نیز نحوه اداره و بهره‌برداری از تأسیسات شرکت نفت ایران و انگلیس را مغایر با تعهدات بین‌المللی ایران جلوه دهد. در پی این شکایت، دیوان در ۱۲ تیر ۱۳۳۰ جلسه‌ای تشکیل داد و با وجود اعتراض صریح دولت ایران مبنی بر اینکه موضوع نفت در حوزه حاکمیت ملی و مربوط به رابطه دولت ایران با یک شرکت خصوصی است، دستورهای موقتی صادر کرد. در این دستورها از دو طرف خواسته شده بود از هر اقدامی که موجب تشدید اختلاف شود خودداری کنند و فعالیت‌های شرکت نفت نیز به روال پیشین ادامه یابد. این تصمیم در

ایران از ابتدا قاطعانه صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعوای انگلیس را رد کرد. استدلال ایران این بود که انگلیس اگرچه در مقام حمایت دیپلماتیک حق پیگیری داشت، اما مجاز نبود برای این منظور به دیوان رجوع کند. از نظر ایران، رسیدگی به چنین اختلافی در زمره وظایف دیوان - به عنوان رکن قضایی رسمی سازمان ملل متحد - قرار نمی‌گرفت و حدود و ثغور اختیارات دیوان در اساسنامه آن به‌صراحت مشخص بود. ملی شدن صنعت نفت ایران در اسفند ۱۳۲۹، نقطه عطفی در تاریخ معاصر کشور بود؛ تصمیمی که نه تنها معادلات اقتصادی ایران را دگرگون کرد، بلکه به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و سیاسی ایران و بریتانیا

ناکامی‌ها، اوضاع را پیچیده‌تر و وخیم‌تر نیز کرد.

پایان عصر صلح‌سازان و جولان آماطورها
دوران باشکوه دیپلماسی روزگاری که با توازن‌بخشی قدرت به دست مترنیخ و «صلح با عزت» دیزرائیلی شناخته می‌شد امروز به بخشی از تاریخ بدل شده است. با این حال، زمان زیادی از حضور صلح‌سازان معتبری چون کوفی عنان یا جرج میچل (میانجی توافق ایرلند شمالی) نگذشته است؛ افرادی که برای گشودن گره منازعات به‌ظاهر حل‌ناشدنی تلاش می‌کردند. اما امروز، در زمانی که جهان بیش از هر مقطعی به چنین چهره‌هایی نیاز دارد، جانشینان اسحاق رابین و آندری ساخاروف کجا ایستاده‌اند؟

امروز آتش‌بس‌ها با نظمی تلخ یکی پس از دیگری فرو می‌ریزند. تازه‌ترین تلاش برای آتش‌بس در لبنان به شکست انجامید، توافقات با ایران هر روز با نقض‌های پی‌درپی روبه‌رو می‌شود و در سودان اساساً چیزی به نام آتش‌بس وجود ندارد. دلیل تداوم این «جنگ‌های ابدی» چیست؟ پاسخ را باید در کمبود میانجی‌های بی‌طرف و مورد اعتماد جست‌وجو کرد. فاصله میان دیپلمات توانمندی چون ریچارد هالبروک (که نقشی کلیدی در پایان جنگ بوسنی داشت) با فرستادگان آماطور ترامپ مانند استیو ویتکاف و جرد کوشنر، چیزی شبیه فاصله تیم آرسنال با یک تیم محلی است که یکشنبه‌ها در پارک بازی می‌کند!

اوکراین؛ بازی خوردن ساده‌لوحانه در مسکو اگر معیار دآوری را واقعیت‌های عینی قرار دهیم، کارنامه دیپلماتیک ترامپ چیزی جز تأسف

این گزارش با نقد تند دیپلماسی دونالد ترامپ، او را در پایان دادن به جنگ‌های اوکراین، ایران-لبنان و اسرائیل-فلسطین ناکام می‌داند. نویسنده تأکید می‌کند که فروپاشی پی‌درپی آتش‌بس‌ها، نبود میانجی‌های معتبر، بی‌اعتمادی عمیق طرف‌های درگیر و تکیه بر زور نظامی، جهان را گرفتار جنگ‌های فرسایشی کرده است. در نهایت، نویسنده نتیجه می‌گیرد که هیچ‌یک از این جنگ‌ها با بمب و پیروزی‌های ساختگی پایان نمی‌یابند و تنها دیپلماسی حرفه‌ای می‌تواند راه صلح را باز کند.

به نقل از روزنامه گاردین، در عرصه سیاست بین‌الملل، همواره دولتمردانی آینده‌نگر، مذاکره‌کنندگانی آرمان‌گرا و دیپلمات‌هایی کارکنشته حضور داشته‌اند؛ اما در کنار همه این‌ها، گروه دیگری هم وجود دارد: «مداخله‌گرانی خام‌اندیش و ناگاه». اکنون که آتش‌بس‌ها یکی پس از دیگری از هم می‌پاشند، شمار گسترده‌ای از غیرنظامیان قربانی می‌شوند و جنگ‌هایی که دونالد ترامپ آغاز کرد یا وعده پایان دادن به آن‌ها را داد همچنان بی‌مهار ادامه دارند، دیگر جای تردیدی باقی نمی‌ماند که او در کدام دسته قرار می‌گیرد.

به زبان بیسبال، ترامپ در پرونده‌های اوکراین، ایران-لبنان و اسرائیل-فلسطین نمره «صفر از سه» گرفته است. او با اعتمادبه‌نفس ادعا می‌کرد که تنها خودش توانایی ساختن توافق و آوردن صلح را دارد؛ اما نه توافقی به دست آورد و نه صلحی رقم زد. بدتر آنکه در بسیاری از این

ترامپ و کارنامه‌ای تلخ در پرونده‌های جنگ و صلح



خبری پرطنینی است که فقط بتوانند بازارها را تکان دهند.

بهای خونین یک دیپلماسی نمایشی
چانه‌زنی‌های بی‌حاصل سیاسی، واقعیت هولناک جنگ بر زندگی مردم عادی را پنهان کرده است. از زمان آغاز جنگ ایران، هزاران نفر جانشان را از دست داده‌اند و زخمی و میلیون‌ها نفر آواره شده‌اند. توجه افکار عمومی از بمباران دردناک دبستان میناب در ۲۸ فوریه [جایی که گفته می‌شود نیروهای آمریکایی بیش از ۱۰۰ کودک را به کام مرگ کشانده‌اند] منحرف شده است.

در سراسر خاورمیانه قربانیان غیرنظامی رو به افزایش‌اند. طبق گزارش یونیسف، تنها در یک هفته پایانی ماه مه، ۷۷ کودک در لبنان کشته یا زخمی شدند. این اعداد، یادآوری‌های تلخی هستند از اینکه مذاکرات آتش‌بس، نمایش‌های خودستایانه یا سرگرمی‌هایی برای شبکه‌های اجتماعی آن‌گونه که در روایت‌های روزانه ترامپ می‌بینیم نیستند؛ بلکه مسئله‌ای حیاتی میان مرگ و زندگی‌اند.

آقای ترامپ! هیچ‌یک از این جنگ‌ها در نهایت با اتکا به زور نظامی پایان نخواهند یافت. مسئله این نیست که چه کسی بزرگ‌ترین بمب‌ها را در اختیار دارد یا چه کسی می‌تواند یک پیروزی ساختگی را در شبکه‌های اجتماعی اعلام کند؛ مسئله، جان انسان‌هاست. همان‌گونه که تاریخ ثابت کرده، تنها یک دیپلماسی حرفه‌ای، فعال و ماهرانه است که می‌تواند دریچه صلح را بگشاید، نه ادعاهای توخالی.

۲۰ ماده‌ای او که بر خلع سلاح حماس استوار بود، خیلی زود به بن‌بست رسید و ایده‌های پرطمطراقش برای بازسازی غزه فاقد اعتبار است. واقعیت این است که اشغال نظامی اسرائیل گسترده‌تر شده و همدست ترامپ، یعنی بنیامین نتانیاوو، همان کاری را با جنوب لبنان می‌کند که پیش‌تر با غزه کرد: «تبدیل آن به بیابانی خالی از جمعیت». اقدامی که در عمل، مسیر هرگونه توافق میان آمریکا و ایران را نیز مسدود می‌کند و به همین دلیل، این دو نفر هفته گذشته مشاجره‌ای خشمگینانه با یکدیگر داشتند.

عصر فروپاشی قواعد؛ وقتی مارکوروبیو تسلیم می‌شود

ناتوانی مزمن در پایان دادن به جنگ‌ها، ریشه در فروپاشی قواعد جهانی دارد. زمانی طولانی، وزرای خارجه آمریکا از هنری کیسینجر تا جان کری، برای دستیابی به صلح دیپلماسی رفت‌وبرگشتی پرتحرکی را پیش می‌بردند. اما مارکو روبیو، وزیر خارجه کنونی آمریکا [لمردی جاه‌طلب که چندان پایبند اصول به نظر نمی‌رسد] در حاشیه ایستاده و هرگاه رئیسش خطا می‌کند، صرفاً او را تایید می‌کند.

در نظم‌ی جهانی که قدرت‌های بزرگ و بازیگران غیردولتی با بی‌اعتنایی به حقوق بین‌الملل می‌نگزند، جنگ و صلح آشفته و پیش‌بینی‌ناپذیر شده است. نهادهای جهانی ضعیف شده‌اند و ابزارهای قدرت نرم (گفت‌وگو، منطق و اقناع) بی‌ارزش و تمسخر می‌شوند. در برابر، آنچه اولویت یافته، زور عریان و تیتروهای

استفاده از ظرفیت‌های صداوسیما به عنوان تکمیل‌کننده اقدامات جبهه‌پایداری، کماکان ادامه دارد

یادآوری قول و قرارهای جلی با پزشک‌یان بعد انتخابات

تکرار می‌کنم: ما آماده‌ایم محل، پروژه و اختیار را بدھیم تا بیاپید و کار را درست کنید.» قطع پخش «مراسم بهره‌برداری ۷۵۰ مگلوات نیروگاه خورشیدی در سراسر کشور با حضور مسعود پزشکیان» از شبکه خبر ۲ (۲۰ بهمن ۱۴۰۴) در پی انتقاد رئیس‌جمهور از این شبکه‌ی شاید پرتنگ‌ترین نشان از منازعه میان صداوسیما و دولت چهاردهم بود. دو روز بعد از آن، صداوسیما بخش‌هایی از سخنرانی رئیس‌جمهور را در ۲۲ بهمن که به اعتراضات دی ۱۴۰۴ مربوط بود در بخش‌های خبری خود انعکاس نداد و در ادامه نشست رئیس‌جمهور با خانواده‌های جانباختگان اعتراضات دی ۱۴۰۴ در سفر به استان گلستان در بخش‌های خبری صداوسیما سانسور شد. بخش خبری ۲۰:۳۰ با تحریفی عجیب عنوان این دیدار آن را دیدار با خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان نامید.

مسعود پزشکیان پاسخ به کنایه مجری صداوسیما را بار دیگر در جمع مدیران این سازمان (۵ خرداد ۱۴۰۵) تکرار کرد و گفت: «من بسیار اجتناب می‌کنم از این که حرفی، خدایی ناکرده خلاف جهت رهبری باشد. چراکه مصیبتی بزرگ است. ضمن این که اجتناب می‌کنم از این که حرفی بزنم که که میان ما و شما و مجلس و... اختلافی به وجود بیاید که بگویند این‌ها با هم اختلاف دارند.» با این حال، آن‌چه در صداوسیما می‌گذرد ظاهراً برای دولت رئیس‌دولت چهاردهم قابل چشم‌پوشی باشد و همین، موجب تازه‌ترین انتقاد تا امروز بی‌پاسخ او (۷ خرداد ۱۴۰۵) از این سازمان شده است. این که «برخی کارشناسان در صداوسیما سخنانی مطرح می‌کنند که با واقعیت‌های جاری کشور و روندهای موجود فاصله جدی دارد» بیش از هر چیز موجب تقویت این شائبه است که استفاده از ظرفیت‌های صداوسیما به‌عنوان تکمیل‌کننده اقدامات جبهه‌پایداری، کماکان ادامه دارد.

«مسئولان استانی استحضار دارند که صداوسیما در کنار قوای سه‌گانه استان و نیروهای مسلح قرار دارد.» و پزشکیان با کنایه این گونه واکنش نشان داد: «اینجا شاید اما در مملکت گاهی.» مجری دوباره گفت: «نصافاً رسانه ملی در خدمت قوای سه‌گانه است» و رئیس‌جمهور پاسخ داد: «ان‌شاءالله، ما نیز دعا می‌کنیم

که این گونه شکل گیرد.» این مکالمه نشان می‌داد که پزشک‌یان اگرچه به وضوح بر زبان نمی‌آورد اما صداوسیما را همراه دولت نمی‌بیند. این عدم همراهی بعدتر با وضوح بیشتری از زبان رئیس‌دولت چهاردهم شنیده شد: «می‌گوییم توسعه تهران منطق ندارد، بعد در صداوسیما چند نفر به اسم کارشناس آوردند و می‌گویند این همه جا، این‌ها بلد نیستند خانه بسازند! سوال اینجاست که آیا توسعه تهران درست است؟» این بخشی از انتقادات مسعود پزشکیان در نشست با فرهیختگان، فعالان اجتماعی و فرهنگی آذربایجان غربی (۱ آبان ۱۴۰۴) بود.

اگرچه پیمان جلی در جلسه یکصدوسی‌ونهم هیات دولت (۳ دی ۱۴۰۴) ضرورت «ایجاد فضایی منصفانه برای نقد و تبیین عملکردها در صداوسیما» را پذیرفت و از برخورد‌های پیش‌آمده ابراز تأسف کرد اما آن‌چه در عمل رخ داد نشانی از تغییر رویکرد نداشت. همین، مسعود پزشکیان را ناگزیر کرد در همایش ملی جایگاه شوراهای اسلامی و مشارکت مردم در قانون اساسی (۱۶ دی ۱۴۰۴) این‌گونه بگوید: «مدتی پیش خانمی در صداوسیما می‌گفت «اگر شما نمی‌توانید، کنار بروید تا ما درستش کنیم». من کاملاً صریح می‌گویم: هر کسی که ادعا دارد می‌تواند گرهی از کار مردم باز کند، بسم‌الله؛ ما آماده‌ایم. این را هم در مجلس گفته‌ام و هم اینجا



موحداز مفاخر ارزشمند فرهنگ و ادب را در همه بخش‌های خبری سانسور می‌کند و تازه انتظار مرجعیت رسانه‌ای دارد. مرحباً به این سلیقه!» حسین قزایی، مدیرکل روابط عمومی سازمان صداوسیما اما «ناهماهنگی در تیم رسانه‌ای ریاست‌جمهوری را علت آشفتنگی در پخش خبر دیدار رییس‌جمهور با محمدعلی موحد قلمداد کرد.» توثیت عبدالناصر همتی، وزیر وقت اقتصاد و دارایی؛ «هجمه‌ها برای تخریب و تداوم بی‌اخلاقی در برنامه «سلام، صبح بخیر»، باعث نمی‌شود که از جنگ اقتصادی ترامپ غافل شویم» (سوم اسفند ۱۴۰۳) شاهد مثال دیگری برای نقض ادعای «روابط بسیار خوب صداوسیما و دولت چهاردهم» بود. آن‌چه در روزهای پایانی سال ۱۴۰۳ در برنامه «سلام صبح به خیر» با اجرای مینیا نصیری و حامد سلطانی گذشت بیش از «ان‌شالله» گفتن‌های آن‌ها برای استیضاح همتی بود و کار تا آن‌جا پیش رفت که صحبت از استیضاح وزیر نیرو در صورت تداوم خاموشی‌ها هم پیش آمد.

ادعای «روابط بسیار خوب صداوسیما با دولت چهاردهم» در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ نیز به کرات زیر سوال رفت. تا جایی که از گفت‌وگوی مسعود پزشکیان با مجری تلویزیون اردبیل در پایان سفر به این استان (۲۲ شهریور ۱۴۰۴) بیش از هر چیز کنایه او به صداوسیما مورد توجه قرار گرفت. جایی که مجری گفت:

دست‌اندرکاران صداوسیما از سوی مسعود پزشکیان به پیش از نشستن او در جایگاه رئیس‌قوه مجریه برمی‌گردد؛ به دوران نامزدی‌اش برای انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم. ۳۰ خرداد ۱۴۰۳، پزشکیان در میزگرد فرهنگی شبکه دو از لزوم زمینه‌سازی مشارکت اقلیت‌های قومی در پست‌های مدیریتی می‌گفت که با اظهارنظر محمدجعفر خسروری، مجری برنامه

مواجه شد. اظهارنظری که پزشک‌یان را ناگزیر از یادآوری تکالیف خسروی در مقام مجری به او کرد. این یادآوری، بعدتر دلیل آن‌چه برخی منتقدان «تسویه‌حساب و انتقام‌گیری مجری» در برنامه «به اضافه یک» نامیدند تلقی شد. در این برنامه، آن‌چه مهدی گلستانی؛ دانش‌جوی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران گفت با تفسیر خسروی از «روی‌مان نمی‌شود» با عبارت «شرم‌تان می‌آید؟» شکل تندتری به خود گرفت. (مهدی گلستانی: روی‌مان نمی‌شود بگوییم این شخص رئیس‌جمهور ماست! می‌گوید ما با آمریکا برادریم؛ بابت این حرف از ملت‌های عرب زبان عذرخواهی می‌کنیم. شبکه سه- ۲۸ شهریور ۱۴۰۳).

پیمان جلی، رئیس سازمان صداوسیما ۱۵ آبان ۱۴۰۳ در گفت‌وگو با مهر مدعی شد: «روابط بسیار خوبی بین صداوسیما و دولت چهاردهم برقرار است و اعضای دولت باور دارند رسانه ملی می‌تواند به آن‌ها کمک کند.» با این حال آن‌چه در عمل دیده می‌شود موید حرف‌های او نیست. تا جایی که انتقادات دولت چهاردهم از صداوسیما بعضاً با برگرداندن توپ به زمین دولت همراه بوده است؛ از جمله در مورد توثیت مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات دفتر ریاست‌جمهوری. او ۲۶ آبان ۱۴۰۳ در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) نوشت: «رسانه ملی خبر دیدار رئیس‌جمهور با استاد محمدعلی

پیمان جلی، رئیس سازمان صداوسیما ۱۹ تیر ۱۴۰۳ در دیدار با مسعود پزشکیان برای تبریک انتخاب او به‌عنوان رئیس دولت چهاردهم تأکید کرد «صداوسیما به‌عنوان «رسانه ملی» همه تلاش خود را برای رقابتی‌کردن فضای انتخابات به کار گرفت و پس از این نیز آماده همکاری با جنبه‌الی و دولت محترم‌تان در راستای خدمت به ملت ایران است.» با این حال آن‌چه از آن زمان تا امروز در عمل از رسانه متبوعش دیده شده، به کرات خلاف این ادعا بوده است.

ترگس کیانی: «صداوسیما به‌عنوان «رسانه ملی» همه تلاش خود را برای رقابتی‌کردن فضای انتخابات و ایجاد شور و نشاط در جامعه به کار گرفت و پس از این نیز آماده همکاری با جنبه‌الی و دولت محترم‌تان در راستای خدمت به ملت ایران است.» این بخشی از اظهارات پیمان جلی، رئیس سازمان صداوسیماست. اظهاراتی که ۱۹ تیر ۱۴۰۳ در ملاقات با مسعود پزشکیان برای تبریک انتخاب او به‌عنوان رئیس دولت چهاردهم بر زبان آورد. با این حال، اعلام آمادگی صداوسیما برای «همکاری با رئیس‌جمهور و دولت در راستای خدمت به ملت ایران» در عمل به گونه‌ای متفاوت بروز کرد. چنان متفاوت که سرانجام ۱۷ خرداد ۱۴۰۵، مسعود پزشکیان را ناگزیر از یادآوری این نکته به پیمان جلی ساخت که «صداوسیما حق ندارد با تحلیل‌های یک‌جانبه و غیرمستند، به تشویش افکار عمومی و سیاه‌نمایی نسبت به عملکرد دولت بپردازد.» این یادآوری در فاصله تیر ۱۴۰۳ تا خرداد ۱۴۰۵، چندین بار از زبان رئیس‌جمهور و سایر اعضای هیات دولت چهاردهم به طرق دیگر شنیده شده است. هرچند «غیرمنصفانه» خواندن و «وقعی نگذاشتن» صداوسیما به آن، مشخص‌ترین واکنشی است که از سوی این رسانه دیده می‌شود.

نخستین تنش‌ها در پی یادآوری وظایف
سابقه یادآوری «حقوق و تکالیف» به



کوروش احمدی:

مصدق بایک دفاع حقوقی دقیق، پیروزی ایران در لاهه رارقم زدنه باشعارهای سیاسی

انگلیس استدلال می کرد که برخلاف امتیاز داری که به گفته ایران توسط یک شاه مستبد امضا شده بود، قرارداد ۱۹۳۳ به تصویب مجلس ایران رسیده است.

نقش شخص دکتر مصدق در پیشبرد اهداف ایران در این پرونده چه بود؟

مصدق در روز اول رسیدگی، سخنانی ایراد کرد که عمدتاً رنگ و بوی سیاسی داشت و بیشتر به شرح مداخلات انگلیس و شرکت نفت در امور داخلی ایران و تضییع حقوق مالی ایران با استناد به اسناد و مدارک اختصاص یافت. دولت مصدق پیش تر اسناد مربوط به این دخالت ها را جمع آوری کرده بود؛ از جمله اسناد مرتبط با نحوه «انتخابات» مجلس دهم که قرارداد را تصویب کرده بود. دلیل این کار هم روشن بود: انگلیس استدلال می کرد که برخلاف امتیاز داری که به گفته ایران توسط یک شاه مستبد امضا شده بود، قرارداد ۱۹۳۳ به تصویب مجلس ایران رسیده است.

تیم ایران بخش هایی از اسناد وزارت کشور و وزارت دربار را نیز آماده کرده بود؛ اسنادی که نشان می داد که طبق روال کار در دوره رضاشاه، لیست نهایی کاندیداهای پراساس لیستی که شهرتانی تهیه کرده و به تأیید رضاشاه رسیده بود، تهیه و سپس این فهرست به وزارت کشور و از آن جا به استانداری ها و فرمانداری ها ابلاغ شده بود تا افراد مورد نظر از صندوق رأی بیرون بیایند.

مصدق این اسناد را فراهم کرده بود تا اگر دیوان، صلاحیت خود را برای رسیدگی به دعوا احراز کرد، در مرحله رسیدگی ماهوی بتوانند از جمله بر پایه همین مدارک استدلال کنند.

پس از سخنرانی دکتر مصدق، هانری رولن طی چند روز لایحه دفاعیه ایران را ارائه نمود. سرانجام پس از تبادل بحث های حقوقی، در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۳۱ (۲۲ ژوئن ۱۹۵۲) (همزمان با قیام ۳۰ تیر) رأی دیوان صادر شد که براساس آن، دیوان عدم صلاحیت خود را برای رسیدگی به این دعوا اعلام کرد. گفتنی است از ۱۴ قاضی حاضر، ۹ قاضی به نفع ایران و در تأیید عدم صلاحیت دیوان رأی دادند.

نکته درخور توجه در این میان، کار «آرنولد مک نیر»، قاضی برجسته انگلیسی در دیوان لاهه بود که به نفع ایران و علیه کشور خودش رأی داد. او تا سال ۱۹۵۵ در این جایگاه حضور داشت و پس از آن نیز به ریاست دادگاه حقوق بشر اروپا برگزیده شد. جالب آنکه این اقدام، نه تنها موقعیت او را تضعیف نکرد، بلکه نهایتاً به عضویت مجلس اعیان (لردها) هم درآمد. این رویداد در نظام حقوقی و سیاسی جهان اتفاقی نادر و کم سابقه بود و انعکاس بین المللی گسترده ای داشت؛ چراکه کمتر پیش می آمد قاضی یک کشور، در دعوایی ملی علیه منافع دولت متبوع خود رأی دهد.

مصدق هیچ وقت اجازه نمی داد که مقامات دولتی برخورد توهین آمیزی با دولت انگلیس داشته باشند. اسنادی در این زمینه وجود دارد. مثلاً تلگرافی وجود دارد، بهره گیری از هژمونی ضداستعماری جهان، بیان روشن و قابل فهم حقوقی دکتر مصدق در توبیین مواضع کشور، و نیز بهره گیری از وکیلی معتبر در سطح بین المللی، همگی دست به دست هم داد تا ایران در این پرونده به پیروزی برسد. درس این تجربه تاریخی برای ایران امروز چیست؟

من فکر می کنم که هر دولتی باید تا حد ممکن از سطح رتوریک، شعار و لفاظی بکاهد و تمرکزش بر محتوا باشد. کار محتوایی در ارتباط با جامعه بین المللی ضرورت دارد و اصل است؛ یعنی بحث اقناع مهم است، چه در رابطه با دولت ها، چه در رابطه با رسانه ها و نهادهای مدنی، پارلمان ها و نهادهایی مانند احزاب سیاسی در کشورهای دیگر. این کار محتوایی بسیار ضرورت دارد و لازمه ای آن، کاستن از اشعار است. اگر ابعاد شعاری کار غلبه پیدا کند، کار محتوایی و اقناعی با جامعه بین المللی تحت الشعاع قرار می گیرد و بسیار سخت می شود.

این پرونده نقشی تعیین کننده دارد. بله، کار اصلی دفاع حقوقی در دیوان لاهه بر عهده «هانری رولن»، حقوقدان برجسته بلژیکی بود. او به لحاظ شخصیتی و اخلاقی شأن بسیار بالایی داشت و در مقاطع مختلف علاقه و دلبستگی اش را به ایران و شخص دکتر مصدق و نهضت ملی نشان داده بود. انتخاب او هم حساب و کتاب دقیقی داشت. لازمه دفاع از ایران تسلط به حقوق بین الملل و آشنایی کامل با پیچیدگی های زبانی و فنی و تکنیک های خاص رسیدگی در دیوان بود. از طرفی، هیات ایران نمی خواست در چنین پرونده حساسی ریسک کند، بنابراین ترجیح دادند کار را به حقوقدانی بسپارند که کاملاً با ساختار و ریزه کاری های حقوقی دادگاه های بین المللی آن زمان آشنا باشد. برای گرفتن وکیل، دو مشکل اصلی وجود داشت: یکی رقم بالای حق الوکاله در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار فرانک سوئیس که بعضی از وکلا درخواست می کردند. خاطرات دکتر غلامحسین مصدق، فرزند دکتر مصدق که همراه ایشان در لاهه بود، حاوی شرحی در باره حواشی حضور دکتر مصدق در لاهه است. او توضیح داده که پرداخت چنین مبالغی برای دکتر مصدق مشکل بود؛ چرا که ایران آن زمان، که هم از نظر مالی تحت فشار بود و هم دسترسی به ارز خارجی آسان نبود، چنین پرداختی عملاً ممکن نبود. به ویژه وقتی در نظر بگیریم که در سال ۱۹۴۸ سهم ایران از نفت فقط ۹ میلیون لیره بوده، پرداخت ۳۰۰ یا ۴۰۰ هزار فرانک به یک وکیل رقم کمی نبود.

در مقابل، هانری رولن با مبلغی نمادین، یعنی ۱۵۰۰ فرانک، این مسئولیت را پذیرفت. روشن است که مقاصد اخلاقی را مد نظر داشت. مشکل دوم هم این بود که بسیاری از وکلای برجسته و متبحر بین المللی حاضر نبودند دفاع از ایران را برعهده بگیرند، چون نمی خواستند با انگلیس درگیر شوند. به گفته دکتر غلامحسین مصدق، استاد حقوقی که راهنمای دکتر مصدق در زمان تهیه رساله دکتری اش بوده، حاضر شده بود که تنها لایحه دفاعیه را تهیه کند و در ازای آن ۳۰۰ هزار فرانک بگیرند و خودش در دادگاه حاضر نشود. در چنین شرایطی، رولن واقعاً استثنایی بود و نقش بسیار مهمی ایفا کرد.

با وجود این ها، دکتر مصدق حتی نسبت به هانری رولن هم تردید داشت، چون به هر حال او یک خارجی بود.

در این باره روایت های جالبی وجود دارد. دکتر غلامحسین در خاطراتش می نویسد که آن شبی که پدرم کیف اسناد و مدارک مهم پرونده را برای بررسی به رولن سپرد، خوابش نمی برد؛ وقتی از او پرسیدم چه شده، چرا این قدر بی قرار هستید، گفت: «نمی توانم بخوابم. نگرانم که این کیف گم شود، یا آن را از رولن بدزدند، و یا بدتر از آن، رولن با تطبیع انگلیسی ها مدارک را به آن ها بفروشد و در نهایت شرمنده ملت ایران شوم. تمام بار مسئولیت روی دوش من است.»

دکتر غلامحسین در خاطراتش می گوید که ما شش قالیچه کوچک و یک فرش سدر چهار بزرگ (برای هدیه به ملکه هلند) همراه خود داشتیم. پدرم هر بار که رولن می آمد و گزارش مثنی از پیشرفت پرونده می داد، به من می گفت: «غلام برو دو تا از آن قالیچه ها را بیاار.» دو قالیچه نیز به همسر و عروس رولن که برای دیدن دکتر مصدق به لاهه آمده بودند، داده شد. به این ترتیب، تمام شش قالیچه به خانواده رولن رسید. دکتر غلامحسین می گوید به پدرم گفتم: «پدر، این چه کاری است؟ ما این قالیچه ها را برای فلائی و فلائی کنار گذاشته بودیم.» پدرم در جواب گفت: «تو متوجه نیستی؟ ما اگر می خواستیم وکیل دیگری بگیریم، باید ۳۰۰-۴۰۰ هزار فرانک به او می پرداختیم. این ها اکنون با چنین اشتیاقی، هم خود رولن و هم دامادش، دارند برای ما کار می کنند و این کارها در برابر ارزش خدماتی که انجام می دهند، ناچیز است.» به هر حال عمده کار حقوقی را در این پرونده رولن انجام داد.

دعوایی علیه ایران است؛ چراکه نقشی در قرارداد خصوصی بین دولت ایران و شرکت نفت سابق ندارد و به تبع آن، دیوان بین المللی دادگستری نیز صلاحیت ورود به چنین موضوعی را ندارد. کاظمی تأکید کرد که قراردادی که ایران با این شرکت بسته یک قرارداد خصوصی، یعنی قراردادی میان یک دولت و یک شرکت خصوصی است. این در حالی است که ماده ۳۶ اساسنامه دیوان صراحت دارد که دیوان تنها وظیفه رسیدگی به اختلافات بین دولت ها را داراست؛ بنابراین اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای عمومی غیردولتی در محدوده صلاحیت دیوان قرار نمی گیرند.

لذا، ایران از ابتدا قاطعانه صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعوی انگلیس را رد کرد. استدلال ایران این بود که انگلیس اگرچه در مقام حمایت دیپلماتیک حق پیگیری داشت، اما مجاز نبود برای این منظور به دیوان رجوع کند. از نظر ایران، رسیدگی به چنین اختلافی در زمره وظایف دیوان - به عنوان رکن قضایی رسمی سازمان ملل متحد - قرار نمی گرفت و حدود و ثغور اختیارات دیوان در اساسنامه آن به صراحت مشخص بود.

در فضای سیاسی آن دوران گفتمان های ضداستعماری در سطح جهانی بسیار پررنگ بود. استفاده دکتر مصدق از این فضای سیاسی ضداستعماری را در پیروزی حقوقی ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

نکته شما کاملاً درست است. باید توجه داشت که نظام بین الملل در آن مقطع تحت تأثیر دو جریان اصلی بود: یکی رقابت های جنگ سرد میان آمریکا و شوروی، و دیگری جنبش های گسترده ضداستعماری در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین. پرونده ملی شدن نفت ایران در چنین بستری مطرح بود.

استراتژی دفاعی ایران در دیوان لاهه دوگانه بود. بخش سیاسی آن به گفتمان ضد استعماری متکی بود؛ چراکه شرکت نفت انگلیس و ایران، فراتر از یک نهاد خصوصی صرف، یکی از بازوهای امتیازات انحصاری استعماری محسوب می شد. استدلال ایران همان طور که عرض کردم، دو وجه داشت؛ یکی بحث سیاسی بود و دیگری فنی-حقوقی. از نظر سیاسی، حرف ایران این بود که این شرکت بر مبنای امتیاز انحصاری استعماری که داشته، عملاً «دولتی در دولت» ایجاد کرده که با حمایت استعمار انگلیس، حاکمیت ملی ایران، به ویژه در مناطق نفتی، را زیر پا گذاشته بود. شواهدش هم بسیار زیاد است؛ مثلاً اگر دولت از تهران یک قاضی به اهواز می فرستاد و این قاضی قبلاً با آقای «چیکاک» (رئیس عملیات شرکت) هماهنگ نکرده بود، عملاً اجازه کار پیدا نمی کرد و مجبور بود ظرف دو سه روز به تهران برگردد.

دکتر مصدق بعداً در شورای امنیت در همین رابطه توضیحات و آمار و استنادی ارائه کرد. او ازجمله گفت در این ۵۰ سالی که از قرارداد (۱۹۰۱ تا ۱۹۵۱) گذشته، شرکت ۳۱۵ میلیون تن نفت از ایران برده، اما کل پرداختی اش به ما تنها ۱۱۰ میلیون لیره بوده است! او همچنین به بیان شرکت برای سال ۱۹۴۸ اشاره کرد که مطابق آن از ۶۲ میلیون لیره سود خالص شرکت، فقط ۹ میلیون لیره سهم ایران شده بود؛ در حالی که ۲۸ میلیون لیره از آن فقط به عنوان مالیات به خزانه داری دولت انگلیس پرداخت شده بود. در کنار این ها، او توضیحاتی نیز در مورد شرایطی معیشتی مردم و فقر گسترده، از جمله در مناطق نفت خیز ارائه کرد.

در کنار این وجه سیاسی، دفاع فنی و حقوقی ایران هم به شکلی که قبلاً مطرح شده بود، توسط دکتر مصدق تکرار شد.

کار اصلی دفاع حقوقی در دیوان لاهه بر عهده «هانری رولن»، حقوقدان برجسته بلژیکی بود. او به لحاظ شخصیتی و اخلاقی شأن بسیار بالایی داشت و در مقاطع مختلف علاقه و دلبستگی اش را به ایران و شخص دکتر مصدق و نهضت ملی نشان داده بود.

به نظر می رسد نقش وکیل بلژیکی ایران نیز در

در حقوق بین الملل، دولت ها این حق را دارند که برای دفاع از حقوق اتباع خود - اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی - به اقدامات دیپلماتیک دست بزنند.

اما چالش اصلی این بود که آیا برخورداری انگلیس از حق حمایت دیپلماتیک از شهروندش، به تنهایی می توانست دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) را صاحب صلاحیت برای رسیدگی کند؟ حمایت دیپلماتیک می تواند به اشکال گوناگون مانند پیگیری های مستقیم میان دولتی تا رایزنی های دیپلماتیک و ... انجام شود. پرسش بنیادی در آن زمان این بود که آیا انگلیس می توانست با استناد به مفهوم حمایت دیپلماتیک، دیوان را متقاعد کند که صلاحیت رسیدگی به شکایتی را دارد که در واقع دفاع از یک شرکت خصوصی در برابر دولت ایران بود؟ در بحث صلاحیت، انگلستان برای اقناع دیوان جهت رسیدگی به این دعوا، دو محور اصلی را مطرح کرد:

استناد اصلی انگلیس به اعلامیه ایران در سال ۱۹۳۲ (۱۳۱۱) بود. طبق این اعلامیه، ایران صلاحیت اجباری دیوان را برای رسیدگی به اختلافات ناشی از معاهدات و پیمان هایی که از آن تاریخ به بعد با سایر کشورها منعقد می کرد، پذیرفته بود. استدلال لندن این بود که چون ایران از این طریق صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به اختلافات معاهداتی با دیگر کشورها پذیرفته، این شامل قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) میان ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران را نیز می شود.

دومین استدلال انگلیس به موافقت نامه های دوستی و تجاری ایران و انگلیس در سال های ۱۸۵۷ و ۱۹۰۳ بازمی گشت. لندن با استناد به پذیرش اصل کامله السودا (-the Most Favored-Nation Clause) در این توافقات، مدعی بود که امتیازاتی که بعداً ایران در معاهدات با کشورهایی نظیر ترکیه و دانمارک و ... از جمله امکان ارجاع اختلافات به دیوان دائمی بین المللی دادگستری PCIJ، داده، شامل انگلیس هم می شود.

علاوه بر این استدلال ها برای اثبات صلاحیت دیوان، انگلیس همچنین به بند ۳ ماده ۳۶ منشور ملل متحد نیز که به امکان ارجاع اختلافات بین اعضای ملل متحد به دیوان بین المللی دادگستری اشاره دارد، استناد می کرد. دولت انگلیس در ابتدا درخواست «صدور تدابیر موقت» نکرد، اما حق خود را برای آن محفوظ دانست و سرانجام در ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ (۳۱ خرداد ۱۳۳۰) رسماً از دیوان متقاضی صدور تدابیر موقت شد.

نامه کاظمی عمدتاً صبغه سیاسی داشت؛ وی در این نامه ضمن اشاره به سوابق استعماری انگلیس در ایران و عملکرد شرکت نفت انگلیس و ایران، موضوع غارت ثروت ملی کشور توسط این شرکت را تشریح کرد.

ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، به دیوان این اختیار داده است که در پرونده های مطروحه، برای جلوگیری از تضییع حقوق طرفین و حفظ وضعیت موجود تا زمان صدور حکم نهایی لک به بدلیل فرآیندهای طولانی رسیدگی ممکن است ماه ها یا حتی سال ها به طول انجامد] «تدابیر موقت» (دستور موقت) صادر کند.

دیوان ضمن ابلاغ مراتب به دولت ایران، ۳۰ ژوئن ۱۹۵۱ (۸ تیر ۱۳۳۰) را برای رسیدگی به درخواست انگلیس جهت صدور تدابیر موقت تعیین کرد. ایران که در این فاصله کوتاه (کمتر از یک هفته) امکان حضور در جلسه رسیدگی را نداشت، پاسخی را به قلم باقر کاظمی، وزیر امور خارجه وقت، برای دیوان ارسال کرد. نامه کاظمی عمدتاً صبغه سیاسی داشت؛ وی در این نامه ضمن اشاره به سوابق استعماری انگلیس در ایران و عملکرد شرکت نفت انگلیس و ایران، موضوع غارت ثروت ملی کشور توسط این شرکت را تشریح کرد و با ارائه آمار و شواهد در این زمینه، به دفاع از حقوق ایران پرداخت.

در بعد حقوقی این پاسخ، باقر کاظمی با به چالش کشیدن مبانی دعوا، استدلال کرد که انگلیس فاقد صلاحیت لازم برای طرح چنین

دولت مصدق از ۱۲ همان ماه وارد روند اجرای قانون شد. (این را از این جهت یادآوری کردم که در این اواخر کسانی مدعی شده اند که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس نرسیده بود).

از همین مقطع بود که دولت انگلیس مجموعه ای از اقدامات را برای جلوگیری از اجرای این قانون در دستور کار قرار داد. این اقدامات تنها به پیگیری های حقوقی که موضوع بحث ماست، محدود نبود، بلکه طیفی از فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی را نیز شامل می شد. در بُعد نظامی، انگلیس نیروهایی را به قبرس و پایگاه های خود در عراق اعزام کرد و عملیاتی به نام «عملیات میدجت» (Operation Midget) را طرح ریزی نمود. هدف از این عملیات، پیاده سازی چتر باز در مناطق نفتی، اشغال پایلینگه آبادان و تصرف مراکز حساس مناطق نفت خیز بود تا عملاً مانع از اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت شده و سلطه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را با توسل به زور حفظ کند.

استناد از محرمانه خارج شده انگلیس نشان می دهد که لمبتون که در ماه ژوئن همان سال طرف مشورت دولت قرار گرفته بود، توصیه کرد که با مصدق نمی شود کار کرد و دولت باید در صدد برکناری او باشد.

با این حال، این اقدامات نظامی با مخالفت جدی ایالات متحده مواجه شد. دین اجسون، وزیر خارجه وقت آمریکا، بعدها جزئیات این طرح نظامی و مخالفت آمریکا را در کتاب خاطرات خود شرح داد. دلیل اصلی مخالفت آمریکا، اولویت بندی های استراتژیک در دوران جنگ سرد و اولویت مقابله با اتحاد جماهیر شوروی از نظر آمریکا بود. واشنگتن با توجه به پیشینه بحران آذربایجان و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و همچنین مفاد مواد ۵ و ۶ معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی که به مسکو اجازه دخالت نظامی در صورت تهدید امنیتش از جانب قلمرو ایران را می داد، نسبت به پیامدهای اشغال نظامی ایران نگران بود. در نهایت، با توجه به رویکرد دولت ترومن (حزب دموکرات)، انجام عملیات نظامی منتهی شد.

با منتفی شدن گزینه نظامی، انگلیس بر طیفی دیگر از اقدامات مانند اخلال در کار دولت مصدق با هدف تضعیف و نهایتاً سرنگونی دولت او، تحریم و فشار اقتصادی و اقدامات حقوقی متمرکز شد. مرحله نخست این اهرید را مقاله ای که «آن لمبتون» در ۲۲ مارس ۱۹۵۱ (۲ فروردین ۱۳۳۰) در روزنامه تایمز لندن منتشر کرد، آغاز شد. لمبتون که از شرق شناسان برجسته بود و در کنار فعالیت های علمی، با سازمان اطلاعات مخفی انگلیس (C۰۶) نیز همکاری داشت، در آن مقاله بر ضرورت فعال شدن دولت انگلیس علیه جبهه ملی و مصدق تأکید کرد. اسناد از محرمانه خارج شده انگلیس نشان می دهد که لمبتون که در ماه ژوئن همان سال طرف مشورت دولت قرار گرفته بود، توصیه کرد که با مصدق نمی شود کار کرد و دولت باید در صدد برکناری او باشد. او دستیار خود، «رابرت زینر» (شرق شناس دیگر) را برای انجام اقدامات عملی به دولت معرفی کرد. زینر با ورود به ایران، شبکه ای را پایه گذاری کرد که بعدها به طراحي «عملیات چکمه» منتهی شد.

در کنار این اقدامات پنهان، انگلیس محاصره اقتصادی ایران را در دستور کار قرار داد که شامل مسدودسازی حساب های ایران در لندن و اعزام نیروی دریایی به خلیج فارس برای جلوگیری از صادرات نفت ایران بود. همزمان، لندن مسیر حقوقی را نیز دنبال کرد و در ۲۶ می ۱۹۵۱ (۴ خرداد ۱۳۳۰) از ایران به دیوان بین المللی دادگستری شکایت کرد. انگلیس در این شکایت مدعی شد که ایران به طور یک جانبه قرارداد ۱۹۳۳ با شرکت نفت انگلیس و ایران را فسخ کرده و موجب خسارت گسترده شرکت شده و به این خاطر حقوق بین الملل را نقض کرده است. انگلیس در شکایت خود، مبنای ورود به این دعوا را «حمایت دیپلماتیک» از اتباع خود - یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران - عنوان کرده بود.

رفت و برگشت برق آسای بورس



در پی نخستین حملات موشکی تهران به سمت اسرائیل، بورس تهران روز دوشنبه را با یک شیب نزولی آغاز کرد. اگرچه با اعلام پایان حملات از سوی قرارگاه خاتم الانبیا شاخص کل بورس مجدداً مثبت شد و به کانال ۴.۵ میلیون واحد وارد شد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴- بازار بورس روز گذشته یکی از دراماتیک‌ترین روزهای خود را سپری کرد. بورس که تا پیش از تبادل آتشی میان ایران و اسرائیل، با سبز پوشی تقریباً مطلق و در برخی موارد ثبت رشد حتی تا ۸۰ هزار واحدی شاخص کل بورس سپری می‌کرد، روز دوشنبه ۱۸ خرداد با یک شوک شدید مواجه شد، اما بلافاصله صبح سه‌شنبه ۱۹ خرداد، پتانسیل بازگشت خود را به نمایش گذاشت.

دوشنبه سیاه بورس

روز دوشنبه، تحت تأثیر مستقیم آغاز تنش‌های نظامی شب قبل، بازار با غلبه مطلق فروشندگان مواجه شد. شدت هیجانات بازار به حدی بود که ۷۹ تا ۸۲ درصد نمادهای بازار کاملاً منفی و سرخ‌پوش شدند. در این روز، شاخص کل بورس با افت سنگین ۶۷ هزار و ۵۹۷ واحدی به رقم ۴ میلیون و ۴۲۶ هزار واحد عقب‌نشینی کرد.

شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۱.۳ درصدی مواجه شد که نشان داد موج فروش کاملاً فراگیر بوده و ریزش تنها مختص نمادهای بزرگ نبوده است. در پی این وحشت عمومی ناشی از احتمال آغاز جنگ تمام عیار، ارزش معاملات خرد به رقم کم‌سابقه ۳۷.۷ هزار میلیارد تومان رسید و ۵۶ میلیارد برگه سهم جایجا شد. همچنین سهامداران خرد برای کاهش ریسک خود پول خود را از سهام بیرون کشیدند و حدود

۶.۹ تا ۷.۱ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بورس خارج شد.

نمادها و صنایعی که بیشترین آسیب را دیدند در روز دوشنبه، فشارهای اصلی خروج پول بر دوش صنایع بزرگ و شاخص‌ساز بازار بود. بیشترین خروج پول از صنایع به ترتیب مربوط به صندوق‌های سرمایه‌گذاری با ۱.۸ همت، فلزات اساسی با ۱.۱ همت، فرآورده‌های نفتی و پالایشی با ۱ همت و محصولات شیمیایی با ۶۶۰ میلیارد تومان بود.

در میان نمادهای بزرگ شاخص‌ساز، نماد فملی با ۸۹۸ میلیارد تومان بیشترین خروج پول حقیقی را ثبت کرد.

پس از آن نمادهای شپنا با ۴۲۷ میلیارد تومان، ونوین با ۳۶۶ میلیارد تومان، شپدیس با ۳۴۲ میلیارد تومان، شبندر با ۳۳۵ میلیارد

تومان و وبملت با ۲۶۸ میلیارد تومان در رتبه‌های بعدی فرار نقدینگی قرار گرفتند. البته در حالی که حقیقی‌ها در حال فروش هیجانی بودند، حقوقی‌های بزرگ بازار در نقش خریدار ظاهر شدند و صف‌های فروش نمادهای بنیادی مانند فملی، وبملت، کگل، کچاد و شستا را جمع‌آوری کردند. همچنین تک‌نمادهایی مثل سیسکو، نظرین، افرا، سامان و شسپا توانستند مثبت بمانند.

سه‌شنبه و بازگشت پر قدرت به کانال ۴.۵ میلیون واحد

صبح سه شنبه پیش‌بینی کارشناسان مبنی بر اینکه این ریزش صرفاً یک اصلاح موقت در راستای اخبار منفی سیاسی است، درست از آب درآمد. با اعلام توقف عملیات موشکی از سوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء و روشن شدن این واقعیت که تنش عملاً یک‌روزه بوده، بازار صبح امروز ورق را برگرداند.

در ابتدای معاملات امروز، شاخص کل بورس

راه خروج از مشکلات تشدید کمبود درآمد مردم نیست

چیزی در حدود ۵۵۰۰ میلیارد تومان برای خرید آن‌ها هزینه شده است. افقه به ماجرای فروش لگسوس اشاره کرد و افزود: این اتفاق بسیار دردناکی است که نشان می‌دهد دانه‌درشت‌ها در کشورمان چقدر نفوذ دارند که با وجود مضیقه‌های مالی، زندگی لوکس آن‌ها در جریان است. اهمیت اخذ مالیات از این اقشار در همین نکته نهفته است؛ زیرا هم منابع درآمدی بیشتری برای دولت به‌دست می‌آید و از سوی دیگر، عدالت اجتماعی محقق می‌شود که از احساس تبعیض فعلی در سطح جامعه می‌کاهد.

او افزود: مردمی که با وجود دلخوری‌های بزرگ و اساسی، فداکارانه در طول جنگ ۱۲ روزه و رانه در طول جنگ ۱۲ روزه و روزه در کنار میهن خود ایستادند، شایسته زندگی مرفه‌تری هستند و همین مردم وقتی می‌بینند خودشان در تامین میوه، غذا یا مسکن دچار مشکل هستند اما عده‌ای ولو قلیل، رژه اشرافیت می‌دهند و با خودروهای لوکس خود در شهر می‌چرخند، احساس نارضایتی خواهند کرد. از این جهت اخذ مالیات و کاهش فاصله طبقاتی هم ضروری است.

وی هشدار داد: تورم هم اکنون بیش از ۷۳ درصد است و تحت تاثیر جنگ و محاصره دریایی بیشتر هم خواهد شد و اگر دولت و حاکمیت باز هم سراغ شوک درمانی برونند، شدت و سرعت این بحران تومری را بالا خواهند برد. بنابراین مهم‌ترین توصیه‌ای که می‌توان به دولت انجام داد، این است که از تجربیات گذشته درس بگیرید و از اقدامات همیشه شکست خورده نولیبرالی، خودداری کنید.

از مشکلات تشدید کمبود درآمد مردم و فقر خصوصاً اقشار میانی و فقیر نیست. با این کار زمینه برای نارضایتی‌های عمومی فراهم می‌شود. دولت باید برای رفع ناترازی، هم از هزینه‌ها بکاهد و هم بر درآمدهای پایدار خود بیافزاید. با این همه حاکمیت و دولت کمتر به دنبال تامین منابع پایدار هستند و بیشتر به نظر می‌رسد ایده‌های نزدیک به گران‌سازی در ذهن آنها عملی‌تر است.

وی توضیح داد: انتظار می‌رود دولت و حاکمیت در کنار هم، اخذ مالیات از دانه درشت‌ها و ابر سرمایه‌داران را آغاز کنند. مالیات یک راه پایدار کسب درآمد برای دولت‌ها است و دولت هم باید تا زمانی که طرف مقابل، ایالات متحده فشار می‌آورد، کشور را به بهترین شکل ممکن اداره کند. مادامی‌که وضعیت درآمدهای ما عادی نشود و فشار جنگ و تحریم وجود دارد، اخذ مالیات از ابرسرمایه‌داران، بهترین و مفیدترین اقدام ممکن است.

از سرمایه‌داران مالیات بگیرید

این روزها با وجود صحبت‌هایی که در مورد کمبود منابع ارزی مطرح می‌شود، اتفاق دیگری هم افتاد؛ در بیداد شرایط نیمه جنگی حاکم و کمبود ارز، تعدادی خودروی لگسوس با قیمت ۱۱۰ میلیارد تومان فروخته شد. گفته می‌شود ۵۵ عدد از این خودروها فروش رفته که نشان می‌دهد



چنان‌که در دی ماه هم دیدیم، شوک ارزی به گشایش منجر نشد و مشکلات را به سطحی بی سابقه رساند. امروز کسری بودجه و تورم بیش از گذشته است چرا که شوک درمانی موفقیتی در پی ندارد.

گران‌سازی بدترین راه برای جبران کمبود منابع

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد، جذب درآمد برای کاهش کسری بودجه، از راه افزایش هزینه‌های عمومی مانند نرخ ارز یا بنزین، نمی‌تواند به موفقیت دست یابد. سازمان برنامه و بودجه در میانه دهه ۷۰ محاسبه کرده که به ازای هر واحد جذب درآمد از طریق شوک، ۱.۲ واحد به هزینه‌های دولت اضافه خواهد شد. با این وجود دولت‌ها وقتی دچار کسری می‌شوند، جذب ساده‌تر درآمد را، بدون توجه به تبعات آن ترجیح می‌دهند. افقه در مورد کمبود منابع دولت گفت: کمبود منابع قابل فهم است اما راه خروج

ما با جامعه‌ای مواجه هستیم که بخش بزرگ آن دچار فقر شده‌اند و از سوی دیگر دولت چنان دچار حامل‌های انرژی دست بزند و به تجارت مختلف شکست سیاست شوک درمانی اشاره کرد و از دولت خواست از سیاست‌های «نولیبرالی» دست بکشد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران، جنگ و محاصره دریایی در شرایطی به ایران تحمیل شد که پیش از آن هم کشور به انواع ناترازی‌ها دچار شده بود. امروز کمبود منابع درآمدی برای دولت، بیشترین نگرانی‌ها را در نظام تصمیم‌گیری بر انگیزخته است و دوباره بحث‌های مربوط به افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای جذب درآمد بیشتر مطرح می‌شود. این در حالی است که هنوز ۶ ماه از شوک درمانی ارزی دی ماه نگذشته و تبعات آن تمام اقتصاد ایران را در بر گرفته است.

در این باره مرتضی افقه، عضو هیات علمی دانشگاه اهواز، به خبرنگاران گفت: هر اقدامی که به گرانی بیشتر در کشور منجر شود، خسارت بار است زیرا هم اکنون وضعیت تورم بسیار نگران‌کننده است و اقداماتی که شدت بیشتری به گرانی و تورم می‌دهند، می‌تواند موجب گرانی‌هایی شود که تا به امروز تجربه نکرده‌ایم. به همین دلیل معتقدم اگر دولت سراغ گران‌سازی بنزین و حامل‌های انرژی برود، کل اقتصاد و جامعه ایران هزینه سنگینی پرداخت خواهند کرد.

او ادامه داد: امروز ما در یک گردابی از مشکلات گرفتار آمدیم که خروج از آن بدون یک برنامه‌ریزی حساب شده و تغییر الگوهای فکری ممکن نیست. از یک طرف

عضو هیات علمی دانشگاه اهواز معتقد است با وجود کمبودهای فعلی هم، دولت نباید به اقداماتی چون گران کردن حامل‌های انرژی دست بزند و به تجارت مختلف شکست سیاست شوک درمانی اشاره کرد و از دولت خواست از سیاست‌های «نولیبرالی» دست بکشد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران، جنگ و محاصره دریایی در شرایطی به ایران تحمیل شد که پیش از آن هم کشور به انواع ناترازی‌ها دچار شده بود. امروز کمبود منابع درآمدی برای دولت، بیشترین نگرانی‌ها را در نظام تصمیم‌گیری بر انگیزخته است و دوباره بحث‌های مربوط به افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای جذب درآمد بیشتر مطرح می‌شود. این در حالی است که هنوز ۶ ماه از شوک درمانی ارزی دی ماه نگذشته و تبعات آن تمام اقتصاد ایران را در بر گرفته است.

سبزوار در ۲۳۰ کیلومتری غرب مشهد قرار دارد. جز مشهد زیر پوشش شرکت آب و فاضلاب خراسان رضوی هستند.

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و
ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۵/۰۳۰۰۰۳۰۶۰۵۴۰۱۴ هیات اول موضوع
قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی
حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک رقم ۴۳۲ مالکانه بلاعارض متقاضی آقای علی احمدپور
فرزند حسین بشماره شناسنامه ۳۳۱ صادره از مشهد در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به
کاربری زراعی به مساحت ۳۰۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۲ فرعی از ۱۸۱ اصلی واقع
در بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک مشهد واقع در مشهد - جاده سرخس روستای علی آباد اولیا
سرخت خریداری از مالک رسمی آقای میرزاخان احمدپور محرز گردیده است. لذا به منظور
اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت
به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی
مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از
تاریخ تسلیم اعتراض ادعاستخوان دورا به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است در صورت

وی فرایند ساختن دوباره کلیسا را طولانی دانست و گفت: واقعا بازگرداندن

نقل و انتقال مالکیت در چارچوب قوانین بهصراحت بر ضرورت حفاظت، نگهداری و مرمت بنا تاکید کرده و همچنین الزامات قانونی مرتبط با هر گونه مداخله عمرانی در این ملک را به شهرداری و مالک اعلام کرده بود. کلیسای انجیلی؛ نام کلیسایی تاریخی مربوط به دوره پهلوی اول بوده که در شهر مشهد قرار داشت و بامداد چشنبه ۱۴ خرداد ماه توسط یک دستگاه اجرایی تخریب شد.

بنا به اظهار سرپرست معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی کلیسای انجیلی مشهد با وجود خروج از فهرست آثار ملی در سال‌های گذشته، همچنان در ضوابط و اسناد مصوب شهری به عنوان اثری واجد ارزش تاریخی و هرگونه اقدام عمرانی در آن مستلزم رعایت الزامات قانونی و اخذ مجوزهای لازم بود.

حمید حلاج مقدم روز جمعه هفته

وی با بیان این که ایران مطرح کننده گفت و گوی تمدن‌ها در جهان است گفت: اقدام به تخریب این کلیسا در مشهد به دلیل عدم تشخیص صحیح یک دستگاه

سید ضیاء الدین مہدوی شہری - رئیس ثبت اسناد و املاک گناباد

نیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
گهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی
ساختمانهای فاقد سند رسمی ۱- نظر به دستور مواد ۳ و ۴ قانون تعیین تکلیف وضعیت
ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۷ و برابر رای شماره
۱۳۹۰/۳۰/۳۰۶۰۳۰۶۸۴۰۵۶ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۳ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور
ستقرار در واحد ثبت حوزه ثبت ملک گنبد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم فخریه
میادار فرزند اسماعیل در شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۳۴/۶۲ متر مربع از پلاک
شماره ۵۸۴ فرعی از ۱۱۸ - اصلی واقع در ارضی بهباب بخش یک حوزه ثبت ملک گنبد
خریداری شده مع واسطه از آقای علی نیازی شهری مالک رسمی محرز گردیده است، لذا
به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
(ماده ۱۰ آیین نامه مربوطه این گهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق یک این روزنامه و
حلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در دستاها رای حیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص



یادداشت

چوب حراج بر آب*

آب رایگان؛ خدمت به ایران یا نابودی آن؟

محمد علایی؛ رئیس کمیسیون آب و محیط‌زیست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی



این روزها خبرنگاران زیادی می‌پرسند: «چرا بهای آب در دشت‌های ورشکسته آبی، چنین کم و ناچیز است؟» پاسخ ساده است؛ آب در ایران از ۶۰ سال پیش رایگان است. ایران گاهواره تمدن و زادگاه فرهنگ، تمدن کاریزی با پیشینه‌ای ۱۰ هزار ساله دارد. همیشه در آن آب گران‌قدرترین دارایی بی‌مانند ایرانیان بوده، مردم مالک آب بوده‌اند؛ مالکان آب، آب را مدیریت می‌کرده‌اند؛ بازار آب برپا بوده، آب به‌بهای روز خریدوفروش می‌شده و حکومت‌ها هم باج‌وخراج‌شان را می‌گرفته‌اند. مردم چند هزار سال آب را پایدار، پاک، کارآمد و ارزان، مدیریت کرده و ایران را به ما سپرده‌اند.

در جنگ سرد، آمریکا برای جلوگیری از خطر کمونیسم «برنامه نوسازی» را تهیه و اجرا کرد. ایران نخستین قربانی برای کمونیست شدن و نخستین کشور برای اجرای «برنامه نوسازی» بود. در راستای برنامه «نوسازی آمریکایی» مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۱ قانون «اصلاحات ارضی» و «ملی کردن جنگل‌ها و مراتع» و در ۲۷ آبان ۱۳۴۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن را پذیرفت. در این قانون‌ها پس از هزاران سال زمین، جنگل، علفزارها و آب با نام ملی شدن، دولتی شد. مالکیت و مدیریت مردم بر آب، خاک و جنگل را به دولت سپردند؛ بازار آب را از بین بردند و آب رایگان شد.

پس از انقلاب اسلامی «برنامه نوسازی آمریکایی» با نام «مبارزه با آمریکای جهان‌خوار» با تندی بیشتری در پهنه ایران اجرا شد. مجلس شورای اسلامی در ۲۱ اسفند ۱۳۶۱ قانون «نحوه ملی شدن آب‌ها» را با جابه‌جایی‌های اندکی «قانون توزیع عادلانه آب» نامید. برابر ماده ۳۳ این قانون، که همان ماده ۵۳ قانون پیشین است، آب رایگان ماند. شرکت‌های آب و آب‌فاضلاب استان‌ها، تنها می‌توانند «نرخ خدمات آب» را، و «نه بهای آب و خدمات» را، بگیرند تا با سیلی صورت‌شان را سرخ نگه دارند و فرو نپاشند. همین.

امسال «بهای خدمات» یک مترمکعب یک تن آب زیرزمینی در دشت‌های ورشکسته آبی برای کشاورزی ۵۷۲۰ تومان و کمتر از بهای یک تن سرگین الاغ یا شن است.

در باختردشت مشهد برای ویلاها، آب به بهای مترمکعبی تا ۲۰۰ هزار تومان خریدوفروش می‌شود. هزینه طرح شیرین‌سازی آب از دریای عمان و آوردنش به استان ۶ میلیارد دلار و هزینه جاری هر مترمکعب آب در مشهد ۵ یورو؛ بهای روز ۹۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود. در این سرزمین خشک و تفتیده که بهای آب هم‌سنگ زندگی است، چوب حراج زدن بر آب و آن را رایگان کردن، خدمت نیست، نابودی سرزمین است. «دولتی و رایگان و ایران را شکسته است. حکومت نمی‌تواند بی‌مردم، مردم هم نمی‌توانند بی‌حکومت، آب، که بند ناف زندگی به آن بسته شده را رایگان، پایدار و کارآمد مدیریت کنند. ایران مرکزی و خاور ایران، بیش از ۷۵درصد پهنه ایران، نه با آب زیرزمینی که با خون زمین زنده است. سال‌هاست خون زمین را می‌نوشیم؛ با آن با گشاده‌دستی دست‌ورو، سر و تن، ظرف و رخت و آبریزگاه‌مان را می‌شوئیم؛ زمین‌های کشاورزی و فضای سبزمان را نه آبیاری، که خونیاری، می‌کنیم.

مرده ریگ ما به فرزندان‌مان سرزمینی سوخته با آبخوان‌های نابود شده، خواهد بود.

همه جنگ‌ها روزی تمام می‌شوند ولی آبخوان‌های زیرزمینی نابود شده، دیگر هیچگاه زنده نخواهند شد. مجلس شورای اسلامی با «سرگ بر آمریکا» از برنامه «نوسازی آمریکایی»، «گرفتن مالکیت و مدیریت آب از مردم، نابودی بازار آب و رایگان کردن آب» پاسداری می‌کند و دولت آن را اجرا می‌نماید. سال‌هاست آمریکایی‌ها این برنامه را در آمریکا، ژاپن، کره‌جنوبی، ترکیه، قبرس، یونان تا شیلی و... کنار گذاشته‌اند. اجرای آن نه خدمت به ایران و مردم که نابودی ایران و ایرانیان است. نکنید. در تاریخ نام بدکاران به نیکی برده نمی‌شود.

بسیاری از «بیکارشدگان جنگ» آه‌در‌بساط ندارند!

سه‌ماه‌انتظاربرای دریافت مقرری بیکاری



این مورد هستند.

وی تاکید کرد: آنچه که ما می‌دانیم، مانند بسیاری از فعالان تشکلات کارگری که با کارگران شاغل و بیکار در تماس هستند، اطلاعات محدودی از ثبت‌نام کنندگان است. تا جایی که ما مشاهده کردیم، ثبت نام کنندگان بیمه بیکاری که در اسفند و فروردین تقاضای مقرری داده و در لیست دریافت‌کنندگان هستند، هنوز پس از سه ماه چیزی دریافت نکرده‌اند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایلنا، موج اصلی بیکاران متقاضی مقرری بیمه بیکاری که در دو ماه اسفند و فروردین فرآیندهای اداری دریافت مقرری را کامل انجام داده و پیامک نهایی ارسال پرونده به شعبه محلی را گرفته‌اند، انتظار داشتند تا امروز مقرری بیکاری را دریافت کنند که هنوز این اتفاق نیفتاده است.

در هفته‌های گذشته اخباری مبنی بر تاخیر در واریز مقرری بیکاری مطرح شد که جامعه کارگری و به ویژه جمعیت انبوه متقاضیان مقرری بیکاری را نگران ساخت؛ متقاضیانی که بر مبنای برخی ادعاها، جمعیت آن حداقل بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر است.

هنوز مقامات سازمان تامین اجتماعی و دولت نسبت به این اخبار واکنش نشان نداده‌اند، اما مشاهدات میدانی از فاصله فراوان میان زمان ثبت نام نهایی و دریافت مقرری حکایت می‌کند؛ به نحوی که گزارش می‌شود بیکارشدگان اسفندماه نیز هنوز اولین مقرری خود را دریافت نکرده‌اند. برخی از این بیکارشدگان، پیامک نهایی را در فروردین و برخی نیز در ابتدای اردیبهشت دریافت کردند. در چنین شرایطی، به‌نظر می‌رسد احتمال پرداخت آرام آرام مقرری‌ها از نیمه تابستان جدی‌ست؛ و این یعنی بیش از سه ماه تاخیر در پرداخت مقرری بیکاری.

در میدان چه خبر است؟...

مجید رحمتی (عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار تهران) درباره صحت و سقم شایعات پیرامون نپرداختن مقرری بیمه بیکاری توضیح داد: واقعیت این است که نه مدیران استانی تامین اجتماعی و نه مدیران ادارات کار شهرستان‌ها اطلاعی از کلیت وضعیت پرداخت مقرری بیمه بیکاری ندارند و به همین دلیل شاید در ارائه اطلاعات دست به عصا حرکت می‌کنند. این مدیران ستادی در پایتخت هستند که آمارهای جمع‌بندی شده تعداد متقاضیان بیمه بیکاری و دریافت‌کنندگان مقرری –که هم‌اکنون حقوق بیمه بیکاری برایشان واریز می‌شود– را در اختیار دارند. این مسئولان موظف به اطلاع رسانی در

۱۱/۱۱/۱۰اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۲۳۳۳/۱۲۰۰۳۰۶/۱۴۰۵۶۰۳۰۶ هیات اول ۲۴۰۶-۱۴۰۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهرا ن نساجیان به شناسنامه شماره ۰۲۱۷۴۴۰/۸۹۰۲۱۷۴۴۰ ملی ۰۸۹۰۲۱۷۴۴۰ صادره کاشمر فرزند فریدون در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۴/۶۹ متر مربع ، پلاک ثبتی ۳۰۲۷ اصلی واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای فریدون نساجیان محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ م.الف ۱۴۱۳

احمد جهانگیر- رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

۱۱/۱۱/۱۰اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۲۲۲۰/۱۲۰۰۳۰۶/۱۴۰۵۶۰۳۰۶ هیات اول کلاسه ۲۱۸۷-۱۴۰۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی پاسبان محمد آبادی به شناسنامه شماره ۸۰۶۰۲۱۷۴۴۰ ملی

اولین مقرری متقاضیان اسفند و فروردین پرداخت می‌شود، اما همین موضوع که مدام کار ثبت نام متقاضیان بین پیش‌خوان دولت و سامانه جامع روابط کار پاس‌کاری می‌شود و خود فرآیند ثبت‌نام یک ماه طول می‌کشد، گواه این است که بحران کمبود منابع تامین اجتماعی و عدم تامین منابع صندوق بیمه بیکاری توسط دولت، موجب شده تمام راه‌ها برای عقب‌انداختن پرداخت حقوق بیمه بیکاری امتحان شود! در نقاطی دورتر، بخشی از متقاضیان بیمه بیکاری توانسته‌اند اولین مقرری خود را دریافت کنند؛ گواه این مثال غلامرضا طالب‌ا (دبیر اجرایی خانه کارگر استان گلستان) با اشاره به این نکته که این استان هیچ آسیب صنعتی مستقیمی دریافت نکرده و تنها به صورت غیرمستقیم به دلیل آسیب به صنایع فولادی و پتروشیمی کشور، با کمبود مواد اولیه مواجه شده، گفت: بسیاری از واحدهای ما به صورت غیرمستقیم از جنگ آسیب دیدند و در آن ایام بخشی از نیروی کار خود را تعدیل کردند؛ اما پس از این اخراج‌ها با ورود سناد تسهیل و رفع موانع تولید، برخی از واحدهای تولیدی با کمک دولت مجددا اقدام به راه‌اندازی فعالیت خود کردند و بخشی از بیکاران به چرخه کار برگشتند.

وی افزود: متأسفانه موارد سوء استفاده کارفرما از شرایط جنگی و اخراج نیروی کار که موجب معرفی کارگر به سامانه بیمه بیکاری شده، در استان گلستان بالا بود و این رفتار، موجب طولانی شدن فرآیند بررسی و رسیدگی پرونده‌های بیمه بیکاری شد. در مجموع ما خبر داریم که از زمان جنگ تا امروز ۱۵۰۰ پرونده بیمه بیکاری در گلستان پذیرفته شده ولی اغلب در مراحل اداری قرار دارند و از این تعداد حدود ۱۵۰ نفر (۱۰درصد) به عنوان بیکار شده دوره جنگ، در حال دریافت مقرری بیکاری هستند.

استان لرستان نیز یکی از استان‌های پر مراجع به بیمه بیکاری‌ست؛ اما داستان واحدهای این استان متفاوت است. تشکلات کارگری رسمی از وضعیت پرداخت مقرری بیمه بیکاری، ابراز بی‌اطلاعی می‌کنند زیرا مدیران مربوطه هنوز اطلاعاتی به تشکلات ارائه ندادند. اما در این رابطه، یکی از کارگران بیکار شده نساجی بروجرد، با اشاره به معرفی هزار کارگر این مجموعه در ابتدای جنگ

خط‌های اعتباری برای پرداخت‌های فوری پس از جنگ متصل شوند!

به نظر می‌رسد تاخیرهای طولانی در پرداخت مقرری بیکاری، یکی از معضلاتی است که لازم است مسئولان برای آن چاره‌اندیشی کنند. در این شرایط، به نظر می‌رسد همانطور که احمد میدری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) اخیراً در نامه به عارف (معاون اول رئیس‌جمهور) برای پرداخت افزایش‌های قانونی حقوق بازنشستگان درخواست حمایت کرده، هرچه سریع‌تر باید منابع مورد نیاز صندوق بیمه بیکاری فراهم شود.

بار ناشی از جنگ، نباید بر دوش کارگرانی بیفتد که ناخواسته بیکار شده‌اند. این اصلاً عادلانه نیست. در این شرایط، به نظر می‌رسد دولت باید خط اعتباری خاصی برای تامین منابع صندوق بیمه بیکاری تدارک ببیند؛ در غیر این صورت، یک بحران اجتماعی عام و همه‌گیر رخ می‌دهد و آمار متقاضیان بیمه بیکاری که ماه‌ها در انتظار دریافت مقرری می‌مانند، از یک میلیون تومان هم فراتر می‌رود.

ملی ۰۹۰۲۱۵۹۳۵۶ صادره فرزند مراد در شش‌دانگ یکپاک منزل مسکونی به مساحت ۱۶۷ متر مربع ، پلاک ثبتی ۲۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی حسین میرزائی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ م.الف ۱۴۱۴

احمد جهانگیر- رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

۱۱/۱۲/۱۰اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۲۲۰۰/۱۲۰۰۳۰۶/۱۴۰۵۶۰۳۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملکانه بلامعارض متقاضی خانم شیرین یکتا فرزند حسن بشماره شناسنامه ۶۲۴۴ صادره از فریمان دریک باب خانه یک قطعه باغ به مساحت ۲۱۳/۰۷ متر مربع پلاک ۱۸۹۵۳/۰۳ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در بخش ۱۳ از محل مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ م.الف ۶۸

حسین مهرجو - رئیس ثبت اسناد واملاک فریمان

